

## درس‌هایی برای امروز

**حجت الاسلام والمسلمین دکتر رسول جعفریان / یکی از بهترین توشه‌هایی که می‌توان در این مناسبت‌ها از زندگی امامان (ع) فراگرفت، مرور بر اخلاقیات ایشان است که خوشبختانه عالمان و محدثان شیعه، با عنایت به این مهم، در حد توان، به ثبت لحظات حساس زندگی آنان و فرمایشاتشان در این عرصه پرداخته‌اند.**

در این یادداشت کوتاه به مناسبت، اشارتی به چند روایت اخلاقی در باره تواضع حضرت رضا علیه‌السلام خواهیم داشت...

زمانی که امام رضا (ع) به عنوان ولیعهد در خراسان زندگی می‌کردند، موقعیت سیاسی مهمی داشته و مورد احترام خاص و عام بودند. عظمت حضرت، تنها به دلیل عنوان ولایتعهدی نبود بلکه به عنوان سرآمد خاندان پیامبر (ص) و بزرگ سادات و امامی عالم از میان اهل بیت، این موقعیت را داشتند که در هر لحظه می‌توانستند صدها بلکه هزاران نفر را در اطراف خود گرد آورند.

مردم ایشان را زنده‌ترین فردی می‌دانستند که از نسل رسول اکرم (ص) باقی مانده‌اند. شاهدش، همان اتفاقی است که در وقت ورود به نیشابور به شهر رخ داد و عالم و عامی برای دیدن حضرت صف کشیدند و قلم به دست نشسته و ایستاده منتظر بودند روایتی از زبان حضرت بشنوند و شاهد دیگرش آنکه قرن‌ها پس از شهادت آن بزرگوار، شیعه و سنی به زیارتش می‌شتافتند.

### تواضع و حد آن

از امام رضا علیه‌السلام در باره تواضع و حد آن پرسش شد. حضرت فرمودند: «تواضع مراتبی دارد. از جمله آنکه انسان قدر و منزلت و اندازه خود را بشناسد و همانجا و در همان حد متوقف باشد، آن هم با قلب سلیم و آرام. رفتارش هم با دیگران آنچنان باشد که دوست دارد چنان با او رفتار کنند. اگر بدی هم دید، با نیکی پاسخ دهد. خشمش را هم بتواند رام خویش سازد. از دیگران هم درگذرد و البته خداوند نیکوکاران را دوست دارد.» اینکه امام تاکید دارند رفتارش با قلب سلیم باشد، شاید به این معناست که مبدا انسان وقتی تواضع می‌کند، در این باره به خودش فشار بیآورد. این فشار خود یک حس طلبکاری در انسان پدید می‌آورد و فکر می‌کند اگر فلان‌جا تواضع کرده، اینجا دیگر وقت تکبر فرا رسیده است! تواضع ریاکارانه هیچ ارزشی ندارد. امام رضا (ع) برخوردهای مشاجره‌آمیز را که از سر خودخواهی و بزرگیبینی است، مردود دانسته و فرمودند: چنین رفتارهایی سبب برآمدن غرور و از میان رفتن عزت انسانی می‌شود.

### ساده‌زیستی

معمربن‌خلاد می‌گوید: از امام رضا علیه‌السلام شنیدم که فرمودند: «به خدا سوگند اگر بر سر کار آیم، غذای ساده خواهم خورد و لباس ساده و خشن خواهم پوشید.» آنگاه حضرت به این وصیت پیامبر (ص) به ابوذر استناد کردند که حضرت به وی فرمودند: «من لباس زمخت می‌پوشم و روی زمین می‌نشینم و بدون زین سوار بر الاغ می‌شوم و کسی را هم پشت سرم سوار می‌کنم.» آنگاه گفتند: «ای ابوذر! لباس زمخت و ساده بیوش تا فخر فروشی در راه نیابد.» این درسی است که می‌توان و باید از امام رضا (ع) آموخت، امامی که او را سلطان ایران و شاه خراسانش خوانند؛ سلطانی با عظمت که پس از رحلتش، به عکس دیگر سلاطین، عظمتش بیشتر و بیشتر نمایان شد و اکنون پس از گذشت بیش از هزار و دویست سال، همچنان همان عظمت را داراست.

# گزارشی از کبوتران حرم رضوی دلشدگان

۱

### حرم امن یار

گرمای آفتاب ظهر است و کبوترها سایه رواق‌ها را برای استراحت انتخاب کرده‌اند اما جنب و جوش آنها تمام نشدنی است؛ کبوترها گاهی از رواقی به رواقی دیگر می‌پرند و گاهی هم به صحن دیگری سر می‌زنند و روی رواق آن صحن می‌نشینند. در حرم حضرت تقریباً درون هر صحنی که باشی، فقط کافی است چشم بچرخانی و آنها را ببینی؛ چندتایی در حال پروازند و چندتایی هم کنار هم نشسته‌اند. این همه کبوتر چگونه به حرم آمده‌اند؟ احمد خطاییان خلیل‌آباد، خادمی است که همان موقع در صحن جامع می‌بینمش و سؤالم را این‌گونه پاسخ می‌دهد: «این کبوترها را مردم نذر کرده‌اند و وقتی حضرت هستند، می‌آیند اینجا ولشان می‌کنند و می‌مانند. اینجا برایشان خیلی امن است.»

۲

### کبوترهای رها

«همین امروز کلی کبوتر از تهران و ساوه آوردند اینجا ول کردند. کافی است کبوترها اینجا رها شوند تا مانند‌گار حرم شده و اینجا بمانند.» خادمی این را می‌گوید و ادامه می‌دهد: «یکی‌شان که از تهران آمده بود، معلوم بود که خیلی هم کبوترهایش را دوست داشت. باید می‌دید چطور با تک‌تکشان خداحافظی می‌کرد.» اما خیلی از کسانی که اینجا برای نذر ادا شده‌شان کبوتر رها می‌کنند، نگهدارنده کبوتر نیستند. «خیلی‌ها از راه دور برای ادا نذرشان آمده‌اند و کبوترها را همین‌جا در مشهد می‌خرند.» خادم صحن آزادی می‌گوید که به محل فروش این کبوترها کوچه کفترفروش‌ها می‌گویند؛ «دو تا محل وجود دارد. زائران یا به کوچه کفترفروش‌های نزدیک

۳

### خانه‌ای برای ضعفای

اینجا حصاری اطراف کبوترها کشیده شده و کمتر دیده می‌شود که کبوتری پرواز کند. پسر بچه شیطانی وارد جایگاه می‌شود و همه‌شان به سمت کنار جایگاه پرپر می‌زنند ولی پرواز نمی‌کنند. پسر موفق می‌شود یکی‌شان را کنار توری گیر بیندازد و با یک حرکت اسیرش کند اما هنوز از روی میله‌های جایگاه بیرون نبریده که خادمی از راه می‌رسد و کبوتر سفید را از دست پسر گرفته و دوباره داخل جایگاه می‌پراند. یک دسته کبوتر روی نورافکن‌های همانجا نشسته‌اند و دسته‌ای در هوا مشغول پروازند؛ درست برخلاف کبوترهای داخل جایگاه که مرتب در حال چرت زدن و خوردن هستند. خادم جوان می‌گوید: «اینجا را شب‌ها نمی‌توان همین‌جا ول کرد. هوا که تاریک بشود، مسئول کبوترها با قفسش می‌آید جمعشان می‌کند و می‌برد تا خوراک گریه‌ها نشوند. صبح هم دوباره برمی‌گردانندشان همین‌جا.» اتاق شب کبوترها کمی آن‌طرف‌تر، داخل یکی از ستون‌ها ساخته شده که دری فلزی دارد و چفت و قفل هم روی آن است. روبه‌روی این اتاق بالای پنجره‌ای نوشته‌اند: «برای نذورات قبض تهیه کنید.»



۴

### روزگاری پرنده‌ها

مداری گندم‌ها را از کیسه‌های بیرون می‌آورد و دست پسر کوچکش می‌دهد تا برای کبوترها بریزد. با اینکه مردم درون جایگاه کوهی از گندم ریخته‌اند اما فقط چند پرنده مشغول خوردن هستند. هاشمی - پرنده‌شناس - می‌گوید: «قبل‌ترها در حرم آن قدر کبوتر بود که کل محوطه یکی از صحن‌ها را جایگاه کبوترها کرده بودند. همیشه دو تا وانت پر از گندم آنجا بود و با بیل برای کبوترها دانه می‌ریختند. پیش از این روی گنبد هم پر از کبوتر بود، طوری

که وقتی دسته‌ای پرواز می‌کردند آسمان سیاه می‌شد اما حالا تعداد کبوترها کمتر شده است.»

نزدیک غروب است و چراغ‌های حرم را روشن کرده‌اند. از همین‌جا هم می‌شود کبوترها را دید که بر فراز حرم پرواز می‌کنند. از راننده تاکسی‌ای که ما را به هتل می‌برد، درباره پرنده‌ها می‌پرسیم. می‌گوید عاشق کبوترهاست: «دو تا کفتر پاپری دارم که آنها را خیلی گران خریده‌ام. از وقتی هم به خانه آوردمشان، باعث خیر و برکت شده‌اند. اما نذری دارم که اگر آقا صلاح دید و برآورده کرد، دو تاییشان را در حرم رها می‌کنم.»

مرضیه قاضی‌زاده / زیاد دیده‌ایمشان؛ روی سقاخانه، داخل سوراخ سمبیه‌های رواق‌ها، گاهی روی لوسترها و گاهی روی گنبدها. کبوترها آزاد و رها می‌چرخند و دور می‌زنند و هر کجا که دوست داشته باشند می‌نشینند. اینجا بارگاه امام هشتم شیعیان است و مکانی امن برای همه، حتی پرندگان. تصویر کبوترها در گوشه گوشه حرم امام رضا (ع) آن قدر برایمان تصویر آشنایی شده که کمتر کسی به داستان زندگی آنها فکر می‌کند؛ اینکه از کجا آمده‌اند و داخل حرم چطور به زندگی‌شان ادامه می‌دهند اینکه چرا با وجود احترام زیاد زائران به آنها، تعدادشان نسبت به گذشته کم شده. این پرنده‌های زیبا دیگر جزئی از حرم شده‌اند. بسیاری از زائرانی که از نقاط دور و نزدیک به زیارت این بارگاه می‌آیند، نذریشان را با غذا دادن به آنها یا آزاد کردن‌شان در آستان حضرت ادا می‌کنند؛ «به آقا بگو به یاد من باشد.» این طرف صحن جامع رضوی خلوت است و پر از کبوتر؛ هر کدام گوشه‌ای نشسته‌اند و دنبال غذا می‌گردند. ولی آن طرف صحن جامع رضوی، رو به ایوان قبله قالی‌های قرمز سه متری پهن شده و تعدادی روی آنها نشسته‌اند. دختر دنبال کبوترهای گوشه صحن راه می‌رود و مدام با آنها حرف می‌زند. از آنها می‌خواهد که وقتی روی صحن و گنبد طلا پرواز می‌کنند، به امام رضا (ع) سلامش را برسانند. دختر جوان از نیشابور آمده. می‌گوید زیارتش را کرده و کنار ضریح، درد دلش را با حضرت در میان گذاشته؛ «اما کبوترها خیلی به آقا نزدیک‌اند. همیشه کنارش هستند.»

در حرم حضرت تقریباً درون هر صحنی که باشی، فقط کافی است چشم بچرخانی و آنها را ببینی؛ چندتایی در حال پروازند و چندتایی هم کنار هم نشسته‌اند. این همه کبوتر چگونه به حرم آمده‌اند؟